هو العلیم

فضیلت زیارت قبر امام حسین علیه السّلام‌ از منظر مرحوم علامه طهرانی

آیة الله حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی

اربعین در فرهنگ شیعه

بسم اللَه الرحمن الرحیم

یکى از شعائر مختصّ شیعه که در هیچ مکتب و ملّتى نظیر و مشابهى براى او نمى‌توان یافت مسأله اربعین حضرت أباعبداللَه الحسین علیه السّلام است و این از اختصاصات فرهنگ تشیع است. زیارت مخصوصه آن حضرت در روز اربعین شعار مخصوص شیعه است، و براى هیچ فردى از سایر معصومین علیهم‌السّلام حتّى براى رسول اکرم صلّى اللَه علیه و آله و سلّم این مسأله وجود ندارد. زیارت حضرت سید الشّهداء علیه السّلام در روز اربعین و اقامه مجلس عزا براى آن حضرت فقط و فقط اختصاص به ایشان دارد و از مختصّات شیعه مى‌باشد که امام حسن عسگرى علیه السّلام آن را به عنوان شعار و علامت شیعه بیان فرموده ‌اند؛ چنانچه سر بر خاک گذاردن، و بسم اللَه را بلند گفتن، و نوافل را طبق دستور أئمّه معصومین علیهم السّلام بجاى آوردن، و انگشتر در دست راست نمودن نیز از اختصاصات شیعه است. ذیلاً روایاتی در باب زیارت قبر شریف امام حسین علیه السلام که مرحوم علامه حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی رحمة اللَه علیه در جلد شانزدهم کتاب شریف امام شناسى آورده از منظر شریف خوانندگان می گذرد.

در کتاب «الفردوس الاعلى» از دیلمى روایت است که پیغمبر اکرم صلّى اللَه علیه و آله و سلّم فرمودند: موسى ابن عمران از پروردگارش مسألت نمود تا زیارت قبر حسین بن على علیهما السلام را بنماید و با معیت هفتاد هزار ملائکه زیارت قبرش را کرد.

و أبان بن تَغْلِب از امام صادق علیه السلام روایت مى‌کند که حضرت گفت: وَ کل اللَه بقبر الحسین علیه السلام أربعة آلاف مَلَکاً شُعْثاً غُبْراً یبکونه إلى یوم القیمة. فمن زاره عارفاً بحقّه شَیعوه حتّى یبَلِّغوه مأمنه، و إنْ مَرَضَ عادُوه غدوةً و عَشیاً، و إذا مات شَهِدوا جنازته و استغفروا له الى یوم القیمة. «خداوند در اطراف قبر حسین علیه السلام چهار هزار فرشته گماشته است که همگى با موهاى ژولیده و پریشان و با صورت هاى خاک آلوده بر وى تا روز قیامت مى‌گریند. پس کسى که او را با معرفت به حقّش زیارت کند او را بدرقه مى‌کنند تا به مأمنش برسانند و اگر مریض گردد وى را هر صبح و شب عیادت کنند، و اگر بمیرد جنازه‌اش را تشییع کنند و براى او از خداوند طلب غفران نمایند تا روز قیامت.»

و از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام مروى است که فرمود: مُرُوا شیعتنَا بزیارة الحسین علیه السلام فإنَّ زیارتَه تدفع الهدم و الحرق و الغرق و أکل السَّبُع، و زیارته مفترضةٌ على من أقرّ بالإمامة من اللَه. «شیعیان ما را امر کنید به زیارت حسین علیه السلام زیرا زیارتش انسان را از آوار بر سر فرود آمدن، و از آتش سوزى، و غرق شدن، و طعمه درندگان گردیدن حفظ مى‌نماید و زیارت او از جانب خدا واجب شده است بر کسى که اقرار به امامت او داشته باشد.»

اسحاق بن عمّار روایت نموده است که: امام صادق علیه السلام فرموده ‌اند: ما بین قبر الحسین إلى السّماء السّابعة مُخْتَلَف الْمَلَائِکةِ. «ما بین قبر امام حسین علیه السلام تا هفتمین آسمان محل رفت و برگشت فرشتگان است.»

از حضرت امام کاظم علیه السلام وارد است: مَن زار قبر الحسین علیه السلام عارِفاً بحقّه غَفَر اللَه له ما تقدّم من ذنبه و ما تَأخّر. «هر کس با حقّ معرفت، حسین را زیارت کند گناهان گذشته و آینده او آمرزیده مى‌شود.»

و از حضرت امام صادق علیه السلام روایت است: روزى حسین- صلوات اللَه علیه- در دامان پیامبر نشسته بود و پیامبر با او بازى مى‌ کرد و وى را خنده مى ‌انداخت. عائشه گفت: چقدر سُرورت از این پسر بچه زیاد است؟!

پیامبر فرمود: واى بر تو چگونه این طور نباشد با وجود آنکه او میوه دل من و موجب تر و تازگى چشم من مى‌باشد؟! آگاه باش: امت من او را خواهند کشت. پس کسى که او را بعد از شهادتش زیارت کند، خداوند براى او یک حج از حجّ هاى مرا مى‌ نویسد.

عائشه گفت: یا رسول اللَه یک حج از حج هاى شما؟!فرمود: آرى دو حج از حج هاى من.

عائشه گفت: دو حج از حج هاى شما؟! فرمود: آرى سه حج. و به همین ترتیب پیوسته عائشه زیاد مى‌ نمود و پیامبر بالا مى ‌برد و مضاعف مى‌ گردانید تا به هفتاد حج از حج هاى پیامبر بالغ شد با عمره‌ هائى که با آن حج ها پیامبر بجاى آورده است.[[1]](#footnote-1)

و در رساله «مقنعه» و مزار کلینى با إسنادش از امام رضا علیه السلام روایت است که: من زَار قبر أبى عبداللَه علیه السلام بشطِّ الفرات کان کمن زار اللَه فوق عَرشه. «هر کس قبر اباعبداللَه علیه السلام را در شطّ فرات زیارت نماید همچنان است که خداوند را در بالاى عرش او زیارت کرده است.»

## رقعه‌هائى که از آسمان به زمین مى‌آید براى امان زائر أباعبداللَه علیه السّلام‌

همچنین مرحوم علامه طهرانی رضوان اللَه علیه در جلد دوم کتاب انوارالملکوت می نویسد: روایات در ثواب زیارت حضرت سید الشهداء علیه السّلام زیاده از حدّ إحصاء است؛ لیکن در اینجا یک حکایت لطیفى را از مرحوم شیخ محمّد بن المشهدى که در کتاب «مزار کبیر» خود آورده است نقل مى ‌کنیم: سلیمان أعمش گوید که: در کوفه منزل داشتم و مرا در آنجا همسایه‌ اى بود که طریق اهل بیت نداشت؛ من بعضى از اوقات با او مى‌ نشستم و مذاکره مى‌ نمودم. در شب جمعه ‌اى به او گفتم: تو چه مى ‌گوئى در زیارت حسین علیه السّلام؟ گفت: بدعت است و هر بدعت ضلالت است. و هر ضلالت در آتش است!

 من با نهایت خشم از نزد او برخاستم و به منزل آمدم، و با خود گفتم: چون سحر شود به نزد او مى‌روم و از فضایل مولا أمیرالمؤمنین آنقدر براى او نقل مى‌ کنم که از شدّت حزن و غصّه چشمانش گرم شود. سحر به منزل او رفتم و در زدم، صدا از پشت در آمد که در منزل نیست و به زیارت حسین به کربلا رفته است. تعجّب نمودم و به شتاب به سمت کربلا حرکت کردم. آن شیخ را دیدم که سر به سجده گذارده، و از رکوع و سجود خستگى نداشت. بدو گفتم: تو مى‌ گفتى که زیارت حسین بدعت است و هر بدعت ضلالت و هر ضلالت در آتش است! چه شد که خود به زیارت آمدى؟!

گفت: اى مرد! مرا ملامت مکن که من از حقّانیت اهل بیت خبرى نداشتم. دوش که به خواب رفتم مردى را در خواب دیدم که نه بلند بود نه کوتاه، و از نهایت حسن و بهاء نمى ‌توانم توصیف کنم. او راه مى‌رفت و اطراف او را هاله‌ وار جماعتى احاطه کرده بودند. و جلوى این جماعت مردى بر اسبى سوار بود که دم اسب او چند بافت داشت، و این مرد تاجى بر سرش بود که چهار گوشه داشت، و بر هر گوشه جواهرى رخشان بود که در ظلمات شب هر کدام مسافت سه روز راه را روشن مى ‌کرد.

پرسیدم: آن مرد که دور او را گرفته‌اند کیست؟ گفتند: محمّد بن عبداللَه خاتم النبیین است.

پرسیدم که این سوار که در جلو مى‌رود کیست؟ گفتند: أمیرالمؤمنین علىّ بن أبى‌طالب است.

آنگاه بر آسمان نظر افکندم دیدم ناقه‌ اى از نور، و بر آن هودجى است و در هوا حرکت مى‌کند.

گفتم: این از آنِ کیست؟ گفتند: از آنِ خَدیجَه بنت خُوَیلِد و فاطمه زهراء.

گفتم: آن جوان کیست؟ گفتند: حضرت حسن مجتبى.

گفتم: این جماعت و این هودج همگى به کجا مى‌روند؟ گفتند که شب جمعه است و همگى به زیارت کشته شده به تیغ ستم، سید الشّهداء حسین بن على به کربلا مى‌روند.

آنگاه متوجّه هودج شدم، دیدم رقعه ‌هائى از آن به زمین مى‌ریزد و بر روى هر یک از آنها نوشته است: أمانٌ مِنَ النّارِ لِزُوّارِ الحُسَینِ علیه السّلام فى لَیلَة الجُمُعَة؛ [امان از جانب پروردگار است براى زائرین حسین علیه السّلام در شب جمعه از آتش دوزخ]

آن وقت هاتفى ندا کرد ما را که: آگاه باشید که ما و شیعیان ما در درجه عالیه ‌اى در بهشت قرار خواهیم داشت! اى سلیمان! من از این مکان مفارقت نمى‌ کنم تا روح از بدنم مفارقت کند.

مرحوم شیخ نورى گوید که: مرحوم طُرَیحى آخرِ این خبر را چنین نقل کرده است که آن شیخ گفت: ناگاه دیدم رقعه ‌هائى از بالا به زمین مى‌ریزد. سؤال‌ کردم که چیست؟ گفتند که: این رقعه ‌هاى امان است براى زوّار حسین علیه السّلام در شب جمعه. من یکى از آنها براى خود طلب کردم. گفتند: این رقعه‌ها حقّ تو نیست! تو مى‌گوئى زیارت حسین بدعت است! هرگز از این رقعه‌ ها نخواهى یافت تا آنکه زیارت کنى حسین علیه السّلام را و اعتقاد کنى به فضل و شرافت او!

پس من از خواب بیدار شدم و هراسان بودم، و در همان ساعت قصد زیارت سید خودم حسین علیه السّلام را نمودم.

1. امام شناسی، ج 16 و 17، ص 619، تعلیقه. [↑](#footnote-ref-1)